



The Persian Cultural Foundation of Australia

آگاهینامه ی بنیاد فرهنگ ایران « فرامرز دادرس کیست ؟ »

درود به روان و فروهر زرتشت پاک، ابر اندیشمندی که نخستین سنگ تاریخ اندیشه را پی گذاشت و مردمان را به نیک اندیشیدن- نیکو سخن گفتن- و کرد و کار نیک برانگیخت .
درود به روان و فروهر کوروش بزرگ، ابرشهریاری که در تابش اندیشه های نیک خود ، جهان تاریخ را روشنایی بخشید و ارزشها را از زشتی به زیبایی دگرگون کرد .
درود به روان و فروهر فردوسی بزرگ، ابر سخنسرایی که با سرودن شاهنامه ی کلان خود دریچه ای از فرهنگ ایران بروی ما گشود تا چگونه زیستن و چگونه مردن را بیاموزیم.
و با ارمغان بهترین دروهای سرود گونه به روان و فروهر همه ی آزاده زنان و بزرگمردانی که در ساختار فرهنگ و آرمان شهر ایرانی سنگی بر سنگی گذاشتند و این بنای بلند را فراز آفریدند .

بنیاد فرهنگ ایران در سال 1990 در شهر زیبای سیدنی بنیاد گذاری و کار خود را آغاز نموده است .
- آرمان این بنیاد پاسداری از ارزشهای فرهنگی و گرامیداشت بالایشها ی ملی ایرانی است .
- این بنیاد سازمانی است نا سود بر و دور از هر گونه سوداگری و سود بری .
- گردش مالی این بنیاد از راه دهشهای مالی ایرانیان فراهم می گردد .
- بنیاد فرهنگ ایران به هیچ سازمان - حزب و یا جنبش سیاسی وابستگی ندارد، تنها جهت گیری سیاسی این بنیاد پیکار با اهریمنی رایات آخوندی و براندازی حکومت جهل و جنون جمهوری اسلامی است، در این راستا در کنار همه ی سازمانها و جنبش های سیاسی می ایستد و آنان را یاری می رساند.

شک نیست که اشتباهات بزرگ آسیبهای بزرگ به همراه دارند و پی آیند های بدهنجار در پی می آورند ، در این آگاهینامه یکی از اشتباهات بزرگ بنیاد فرهنگ ایران گزارش می شود تا آزمونی باشد برای دیگر فرزندان پاک سرشت ایرانزمین و کسانی که در راه سربلندی ایران اهورایی می رزمند.

در سال 2003 کدبان فرامرز فروزنده ازمن (هومر آبرامیان سرپرست بنیاد فرهنگ ایران) در خواست نمود که در برنامه های نسیم شمال که از تلویزیون آپادانا پخش می گردید درباره ی سرشت و گوهر خدا در دینهای ابراهیمی با او به گفتگو بنشینم.
این برنامه ها با پیشباز بسیارشورانگیزی از سوی هم میهنان ما روبروشد و چند مناظره ی تلویزیونی با حجت الاسلام محمد هدایتی - دکتر مولانا ملازاده - کشیش افشین - کشیش فروتن و چند تن دیگر ازدگر اندیشان و باورمندان به دینهای ابراهیمی را در پی آورد.

12, b Romano Close Edensor Park NSW 2176 Australia

Ph/ Fax: (612) 982 34371

Email: homer@abramian.com

Site : www.farhangiran.org

روزی در پایان یکی از این برنامه ها کسی بنام « **فرامرز داد رس** » از پاریس به من تلفن زد و پس از ستایش بسیار از کردوکار بنیاد فرهنگ ایران ، خود را افسر اطلاعاتی در سامانه ی پیشین شناساند و پرسید : « .. شما چرا یک سایت اینترنتی ندارید تا سخنان خود را بگوش شمار بیشتری از هم میهنان برسانید ؟؟) . گفتم: من خود چنین دانشی ندارم و از میان یاران هم کسی را نمی شناسم که چنین توانایی داشته باشد .

گفت: کار من وبلاگ نویسی است، اگر شما پروانه بدهید من با شادمانی بسیار این کار را برای شما انجام خواهم داد.

من ساده دلانه سخنان این مرد را که با آهنگی دوستانه گفته می شد گوش دادم و بی آنکه در باره ی پیشینه سیاسی و کرد و کار او پرس و جو کنم پیشنهادش را پذیرفتم!! این نخستین گامه ی اشتباهی بود که آسیبی بزرگ را در پی آورد.

پس از یکی دو ماه به پاریس رفتم و او را با زنده یاد آله دالفک و بسیاری دیگر از استادان و فرزانه گانی که نامهای بزرگ دارند آشنا کردم . (اشتباه دوم!!)

در آن چند روز بی آنکه بیاد آورم که جمهوری اسلامی با چه ترفندهایی جان کوروش آریامنش - شاپور بختیار - فریدون فرخزاد و بس بسیاران دیگر را گرفته بود ، بی آنکه اندیشه ی جان خود کنم چند روزی در خانه اش بسر بردم و از خوراکی که بدست خود فراهم می کرد خوردم!! . (اشتباه سوم!!) .

هر آدم تیز بینی می توانست بروشنی دریابد که فرزندانش (دو دختر و یک پسر) چشم دیدن پدر را ندارند و به بهانه های گوناگون خود را از او دور نگه میدارند، ولی این چیزی نبود که کنجکاو مرا برانگیزد!! (اشتباه چهارم!!) .

دیر زمانی از این دیدار نگذشته بود که روزی همسرش آسیمه سرتلفن زد و کوشید تا رخک از چهره ی این اهرمن زاده بردارد و سیمای راستین او را به من نشان دهد ولی شوربختانه من گوشی برای دهان او نبودم و با این باور که فریادهای او پی آیند ناسازگاریهای یک زندگی زناشویی است، پروانه ی سخن گفتنش ندادم، زن بیچاره گریه کنان فریاد می کشید که : « ... شما باید سخنان مرا بباورید، این فرومایه دیوی است در پیکر آدمی!! در بیرون از خانه، از حقوق و برابری زن و مرد سخن می گوید ولی در خانه مرا کیسه ی بوکس می انگارد!! او از فرهنگ ایران سخن می گوید ولی کمترین نشانی از فرهنگ ندارد!! برای اینکه خود را نامسلمان نشان دهد بدروغ می گوید که مادرش ارمنی است!! ، برای اینکه سری در میان سرها برافرازد به کسانی که نمی شناسندش می گوید از یاران نزدیک شاپور بختیار بوده است، اوباهزار رنگ و نیرنگ زندگی من و فرزندانم را به تباهی کشانیده و امروز در کار تباہ کردن شما است ، به هوش باشید که این مار خوش خط و خال زهرش بسیار کشنده است!! ...

من فریادهای این زن بینوا را برآمده از ناسازگاریهای میان او و شوهرش بشمار آوردم و سخنانش را بها ندادم!! .

پس از چند ماه این زن توانست بیارمندی پلیس شوهر دیوخوای خود را از خانه برون کرده و دامنش را از چنگال اهریمنی رایات او رها سازد.

فرامرز که دیگر راهی بخانه نداشت به سراغ زن دیگری رفت که در پالتاک با او آشنا شده و پیوندی برپا کرده بود .

پس از چندی که آنها از آسیاب افتاد درپاریس به آیین زتشت درآمد و با هزار و یک ترفند خود را در انجمن جهانی زرتشتیان جا کرد و بنام منشی انجمن برگزیده شد .

در گیر و دار این رخدادها هر روز بر شمار بازدیدکنندگان تارنمای بنیاد فرهنگ ایران افزوده می شد و من بیش از پیش برانگیخته می شدم تا فرزانه گان بیشتری را با فرامرز دادرس آشنا کرده و بر گرانمایگی کار بیفزایم، جاگیری **برنامه های تلویزیونی فرامرز فروزنده** در تارنمای بنیاد فرهنگ ایران دستاورد این کوششها بود.

فرامرز دادرسی برای راه اندازی و ادامه ی کار تارنمای بنیاد فرهنگ ایران پولهای کلانی از من گرفت ولی با ترفند های ویژه این تارنما را بنام خود ثبت کرد. رسید پولهایی که بابت این تارنما به حساب بانکی ایشان واریز شده همه در بایگانی بنیاد فرهنگ ایران نگهداری می شوند .

از چند ماه پیش بخشی را زیر نام « پرسش و پاسخ با فرامرز دادرسی » بر روی تارنمای فرهنگ ایران گذاشت و بی آنکه کمترین دانشی در زمینه فرهنگ و تاریخ ایران داشته باشد، به پاسخگویی پرسشگران پرداخت.

این کار نادرست او گرفتاریهای بزرگی را برای بنیاد فرهنگ ایران پدید آورد، ناگفته پیدا است که پاسخگویی به اینگونه پرسشها کار ویژه کاران و استادان است، نه کار بی دانشان .

ولی فرامرز دادرسی با دلیری ویژه ای که تنها از ملایان می توان چشم داشت، بی آنکه به سود و زیان پاسخ های خود بیندیشد، به پاسخگویی پرسشگران در زمینه ی فرهنگ و تاریخ ایران ادامه داد.

درواپسین سفری که در فروردین ماه امسال به اروپا داشتم یکبار دیگر دوستانه با او بگفتگو نشستم و هشدار دادم که از اینگونه بازیگوشی های زیانبار دست بردارد و پارا از گلیم خود فراتر نگذارد، با فروتنی سخنانم را بگوش نشست و در پایان پیمان بست که بزودی آن بخش را از روی تارنما بخواهد داشت و بدون رای زنی با من کاری نخواهد کرد، ولی این فریبی بیش نبود ، او می دانست که من سفر دوردرازی را در پیش دارم و یکی دوماهی از کانون کارها دور خواهم بود و او می تواند در این زمان همه چیز را تاراج کند و به آرمانها پلید خود دست یابد.

این سفر، از واپسین روزهای خرداد ماه امسال (نیمه ی June 2007) آغاز و هفته ی گذشته بپایان رسید، در دوماه گذشته دیدارها و سخنرانیهای پیاپی در شهرها و کشورهای گوناگون، و برنامه ی های رادیویی و تلویزیونی و نشست با گروههای سیاسی و کانونهای فرهنگی از یکسو، و نداشتن دسترسی به اینترنت از سوی دیگر میدان را برای تاخت و تاز اهریمنی رایات این گجستک فراهم آورد تا به آرمانهای پلید خود دست یابد و زهر خود را در کام بنیاد فرهنگ ایران فرو ریزد، در زیر به چند نمونه از کُناک زشت او را اشاره می کنم :

1- با شیوه هایی اهریمنی که می داند به کامپیوتر من راه پیدا کرده و نشانی گیرندگان ایمیلهای مرا که افزون بر ده هزار تن اند برداشته است!! .

2- گنداب اندیشه های خود را با نامهای گوناگون به گیرندگان ایمیل های من می فرستد .

3- نشانیهای اینترنتی دکتر خسرو خزاعی را حک کرده و بنام خسرو خزاعی نامه پراکنی می کند .

4- با نیرنگهای ویژه تارنمای بنیاد فرهنگ ایران را مصادره کرده است !! .

5- در نامه هایی که با نامهای گوناگون به گیرندگان بنیاد فرهنگ ایران می فرستد تندیس کوروش بزرگ را (سنگ قبر) و بنیاد فرهنگ ایران را (سنگ قبر فروش) می نامد!!

6- خود را کاردار انجمن جهانی زرتشتیان نامیده و بنیاد گذار این انجمن (دکتر آبتین ساسانفر) و تنی چند از کارگزاران این انجمن را از کار اخراج کرده است؟؟؟؟!! .

7- کوشش بسیار می کند تا مرا درگیر مبارزه ی با خود کند تا از سویی خود را همسنگ من نشان دهد

و از سویی دیگر مرا در گیر مبارزه ای کند تا از کار **گرامیداشت کوروش بزرگ** که بزرگترین خار در چشم جمهوری اسلامی است باز مانم ، این یکی از شگردهای اربابان او است.

امروز همگان می دانند که جمهوری اسلامی رزمندگانی را که در راه آزادی و سربلندی ایران می رزمند بگونه های زیر از سر راه خود بر می دارد:

اگر بتواند می کشد- اگر نتواند بکشد می خرد - اگر نتواند بخرد بر پیکرشان لجن می پراکند - و اگر اینهم کارساز نبود آنگاه نوچه های خود را به میدان می فرستد تا با فریب و نیرنگ رزمندگان را به جنگ با آسیابهای بادی بکشانند، و این کاری است که امروز فرامرز دادرسی می کند، ولی ما با آگاهی از شگردهای پلید اربابان او خود را گرفتار این دامگه نمی کنیم و کرد و کار او را بها نمی دهیم، همان یک اشتباه نخستین ما را بس!! .

از همه ی یاران و هواداران خود نیز می خواهیم که زهرپراکنی های این گجستک را بها ندهند و با سکوت خود کوششهایش را برای به بیراهه کشاندن مبارزه سترون کنند.

از تارنمایهایی که با بنیاد فرهنگ ایران همکاری نزدیک دارند درخواست می کنم این آگهینامه را فرادید
یاران خود بگذارند.
تارنمای بنیاد فرهنگ ایران بنشانی: www.farhangiram.org بزودی آغاز بکار خواهد نمود.

خداوند جان و خرد همواره نگاهبان ایران باشد و بماند.
سرپرست بنیاد فرهنگ ایران – هومر آبرامیان